چرا هنوز نتوانسته‌ایم هنر را به انگیزه سفر و موتور اقتصاد تبدیل کنیم؟

فاصله میان «هنرگردی» تا «گردشگری هنری»

گزارش‌ها

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست‌بوم

ما در فضای گفتمانی کشور مدام از «گردشگری هنری» حرف می‌زنیم، اما فاصله میان این حرف‌ها و واقعیت موجود، همچنان زیاد است. در حالی که ایران از موزه، گالری، اثر تاریخی، هنرمند، آیین های سنتی و ظرفیت‌های فرهنگی برخوردار است، هنوز سازوکار مشخصی برای تبدیل این داشته‌ها به «تجربه سفر» شکل نگرفته است. مسأله فقط کمبود امکانات نیست؛ مسأله اصلی، نبود یک ساختار منسجم برای پیوند دادن هنر، گردشگر، بخش خصوصی، رویداد، موزه، گالری و اقتصاد محلی است. به همین دلیل، آنچه امروز در بسیاری از موارد به نام گردشگری هنری شناخته می‌شود، بیشتر به «هنرگردی» شبیه است؛ یعنی دیدن یک اثر یا بازدید از یک موزه، بدون آنکه هنر انگیزه اصلی سفر و موتور اقتصادی مقصد باشد.

این همان نقطه‌ای است که سخنان سه چهره حاضر در نشست گردشگری هنری در گالری ترانه باران به مناسبت هفته گردشگری، یعنی محبوبه کاظمی پژوهشگر حوزه گردشگری و توسعه‌گذار حراج تخصصی هنرهای ایرانی، نورالله مرادی کارشناس و پژوهشگر رسانه و رضا دبیری‌نژاد رئیس موزه هنرهای معاصر تهران به یکدیگر می‌رسد: ایران با کمبود دارایی فرهنگی روبه‌رو نیست؛ مشکل در شیوه مدیریت، روایت، عرضه، شبکه‌سازی و تبدیل این دارایی‌ها به تجربه‌ای زنده و قابل‌عرضه برای گردشگر است.

گردشگری هنری کار بخش خصوصی است، نه بخشنامه

محبوبه کاظمی بحث را از یک تفکیک اساسی آغاز می‌کند: تفاوت میان «هنرگردی» و «گردشگری هنری». از نگاه او، اینکه فردی به یک نمایشگاه برود و یک اثر را ببیند، به‌تنهایی گردشگری هنری نیست. گردشگری هنری زمانی شکل می‌گیرد که هنر، «انگیزه سفر» شود؛ یعنی فرد برای تجربه هنر سفر کند، در مقصد اقامت داشته باشد و هزینه کند و در نتیجه، این سفر به اقتصاد جامعه محلی نیز نفع برساند. کاظمی معتقد است مشکل اصلی ایران نبود ظرفیت نیست، بلکه شیوه مدیریت این ظرفیت‌هاست. به تعبیر او: «ما گردشگری را انسان‌محور نمی‌بینیم؛ ما آن را اداره‌محور می‌بینیم.» از نگاه او، وقتی یک دستگاه دولتی می‌خواهد هم تولیدکننده باشد، هم مجری، هم ناظر و هم سیاست‌گذار، نتیجه این روش حذف متخصصان و بخش خصوصی از میدان است.

او صریح می‌گوید: «گردشگری هنری، کار بخش خصوصی است نه بخشنامه!» از نظر کاظمی، بخش خصوصی همان بخشی است که می‌تواند هنر را به محصول، تجربه و جریان اقتصادی تبدیل کند؛ اما وقتی این بخش کنار گذاشته می‌شود، حاصل کار به یک نمایش دولتی تبدیل می‌شود که لزوماً کسی برای دیدنش سفر نمی‌کند.» کاظمی همچنین از «پینگ‌پنگ اداری» میان نهادهای متولی انتقاد می‌کند؛ وضعیتی که در آن، وقتی موضوعی با ماهیت هنر به میراث فرهنگی ارجاع می‌شود، پاسخ این است که باید به وزارت ارشاد مراجعه کرد و وقتی موضوع از زاویه سفر و اقامت مطرح می‌شود، دوباره به میراث فرهنگی ارجاع داده می‌شود. از نگاه او، همین پاس‌کاری باعث شده پروژه‌های گردشگری هنری سال‌ها در مرحله ایده باقی بمانند.

کاظمی تأکید دارد که گردشگری هنری پیش از هر چیز باید برای جامعه محلی منفعت اقتصادی ایجاد کند. او می‌گوید: «گردشگری تنها به موزه و اثر هنری محدود نیست و وقتی گردشگر وارد یک مقصد می‌شود، از راننده و فروشنده صنایع دستی تا رستوران و اقامتگاه در زنجیره اقتصادی آن قرار می‌گیرند. بنابراین، بحث گردشگری هنری در نهایت به «نان سر سفره مردم» مربوط می‌شود.» او راه عبور از این وضعیت را در سه حوزه می‌بیند: اجرا، مدیریت و آموزش. به اعتقاد کاظمی، آموزش باید از سطوح پایه آغاز شود و مدیران نیز باید بدانند گردشگری صرفاً ساختن ساختمان و ایجاد زیرساخت فیزیکی نیست؛ بلکه «فرهنگ روایتگری» و توان تبدیل ظرفیت‌های فرهنگی به تجربه است. برای او، هنر فقط یک کالای فرهنگی یا ابزار جذب گردشگر نیست؛ بلکه می‌تواند در شکل دادن به تصویر ایران و انتقال هویت فرهنگی کشور نقش داشته باشد. کاظمی معتقد است ایران در شرایط دشوار اقتصادی و حتی در دوره‌های بحران مثل جنگ، باید از ظرفیت هنر برای تقویت اقتصاد مقصد استفاده کند. از نظر او، هنر به دلیل ماهیت سیال خود می‌تواند حتی در شرایطی که جابه‌جایی گردشگر دشوار است، به سمت مقصد حرکت کند و پیام خود را منتقل کند. او هنر را زبانی برای روایت رنج، خواسته‌ها و تجربه‌های اجتماعی می‌داند.

ضعف «آموزش» و «رسانه»

یکی از کلیدی‌ترین انتقادهای نورالله مرادی، نیز متوجه ضعف «آموزش» و «رسانه» است. او معتقد است جامعه ایران از نظر سواد هنری و سواد میراث فرهنگی با ضعف روبه‌روست و در نظام آموزشی نیز هنر هنوز آن جایگاهی را که باید، پیدا نکرده است. به باور او، جامعه‌ای که هنر و میراث خود را نشناسد، نمی‌تواند از آنها به شکل درست برای توسعه گردشگری استفاده کند. مرادی در بخش دیگری از سخنانش بر اهمیت روایتگری تأکید می‌کند.

به اعتقاد او، ایران در عمل روی «معدن تاریخ» نشسته، اما نتوانسته از این تاریخ روایت‌های جذاب و قابل‌عرضه بسازد. او با اشاره به شهرهایی مانند اصفهان، شیراز و ایذه، تأکید می‌کند که گردشگر می‌تواند در فاصله‌ای کوتاه با لایه‌های متعدد تاریخی مواجه شود، اما این ظرفیت زمانی به جاذبه تبدیل می‌شود که روایت شود.

از نگاه مرادی، شاهنامه نمونه‌ای از همین قدرت روایت است؛ اثری که می‌تواند وجوه مختلف فرهنگ ایرانی را، از حماسه و جنگ تا تراژدی و زندگی انسانی، در خود جمع کند. بنابراین، برندسازی فرهنگی بدون روایتگری امکان‌پذیر نیست. مرادی همچنین پیوند هنر و محیط‌زیست را یکی از مسیرهای مهم آینده می‌داند. از نگاه او، ظرفیت‌هایی مانند سواحل هرمز، کویرهای مرکزی و ویژگی‌های اقلیمی مناطق مختلف ایران می‌توانند بستر خلق هنر محیطی باشند. در این مدل، اثر هنری تنها

> اگر هنر فقط در مخزن موزه باقی بماند، گردشگری هنری شکل نمی‌گیرد. اگر جشنواره فقط برگزار شود اما استمرار نداشته باشد، مقصد ساخته نمی‌شود. اگر اثر هنری روایت نشود، برند نمی‌شود. اگر بخش خصوصی و متخصصان وارد میدان نشوند، ایده‌ها اجرایی نمی‌شوند و اگر جامعه محلی از گردشگری منفعت نگیرد، نمی‌تواند حافظ آن باشد

مرد شمی در موزه ملی عکس : ایسنا

چیزی نیست که گردشگر می‌بیند؛ خودِ فرآیند خلق اثر و محیطی که اثر در آن شکل می‌گیرد، می‌تواند مقصد سفر شود. به تعبیر او، فرمول آن می‌تواند چنین باشد: «ظرفیت محیطی + روایت هنری + رویداد پایدار».

از انبارداری آثار به تجربه‌سازی

رضا دبیری‌نژاد، رئیس موزه هنرهای معاصر، نقد خود را متوجه ساختار مدیریتی و نگاه میراثی می‌کند. از نظر او، یکی از مشکلات اصلی این است که دستگاه‌های متولی، بسیاری از پدیده‌های فرهنگی و هنری را صرفاً از دریچه «حفاظت از میراث» نگاه می‌کنند. این نگاه، به گفته او، هنر را که ماهیتی زنده، پویا و معاصر دارد، به یک شیء تاریخی و ایستا تقلیل می‌دهد. دبیری‌نژاد بر تغییر پارادایم از «شیء» به «تجربه» تأکید دارد. از نظر او، مقصد گردشگری هنری نباید صرفاً موزه یا گالری باشد. یک مقصد می‌تواند «محصول هنری»، «رویداد هنری» یا حتی «تجربه هنری» باشد. در این تعریف، فرآیند خلق اثر نیز، خود جاذبه است؛ از خوشنویسی و کاغذسازی گرفته تا منبت، معرق و دیگر هنرهای سنتی. گردشگر امروز فقط نمی‌خواهد نتیجه را ببیند؛ می‌خواهد بداند اثر چگونه ساخته می‌شود و با هنرمند و فرآیند تولید ارتباط برقرار کند.

یکی از صریح‌ترین نقدهای دبیری‌نژاد، متوجه فقدان برند هنری در ایران است. پرسش او ساده اما اساسی است: از میان هزاران اثر موجود در موزه‌های ایران، کدام اثر توانسته به یک نماد جهانی تبدیل شود؟ او نمونه مونالیزا را مطرح می‌کند؛ اثری که فراتر از ارزش هنری خود، به یک نقطه کانونی سفر به پاریس تبدیل شده است. از نظر او، ایران آثار فراوان دارد، اما هنوز نتوانسته یک اثر یا رویداد را به چنین جایگاهی برساند.

او حتی «انباشت آثار» را به‌تنهایی مزیت نمی‌داند و میان «انبارداری آثار هنری» و «گردشگری هنری» تفاوت می‌گذارد. به باور او، داشتن هزاران اثر در مخزن به معنای داشتن مقصد گردشگری نیست. اثر باید دیده شود، روایت داشته باشد، در معرض عرضه عمومی قرار گیرد و حتی بتواند به محصول و یادگاری تبدیل شود.

دبیری‌نژاد همچنین به وضعیت جشنواره‌ها انتقاد دارد. از نظر او، بسیاری از جشنواره‌ها بیشتر برای ثبت یک آمار اداری برگزار می‌شوند تا برای جذب گردشگر. در حالی که یک رویداد زمانی به مقصد گردشگری تبدیل می‌شود که گردشگر برای حضور در آن سفر کند، اقامت داشته باشد و بخشی از اقتصاد مقصد را فعال کند.

فاصله میان «داشتن» و «بهره‌برداری درست»

در نهایت، حرف مشترک این سه دیدگاه را می‌توان در یک گزاره خلاصه کرد: ایران برای گردشگری هنری، بیشتر از آنکه به «ظرفیت» تازه نیاز داشته باشد، به سازوکار تبدیل ظرفیت به مقصد نیاز دارد. اگر هنر فقط در مخزن موزه باقی بماند، گردشگری هنری شکل نمی‌گیرد. اگر جشنواره فقط برگزار شود اما استمرار نداشته باشد، مقصد ساخته نمی‌شود. اگر اثر هنری روایت نشود، برند نمی‌شود. اگر بخش خصوصی و متخصصان وارد میدان نشوند، ایده‌ها اجرایی نمی‌شوند و اگر جامعه محلی از گردشگری منفعت نگیرد، نمی‌تواند حافظ آن باشد. بنابراین، چالش اصلی گردشگری هنری در ایران، نبود هنر یا میراث نیست؛ مسأله، فاصله میان «داشتن» و «بهره‌برداری درست» از این داشته‌هاست. آنچه امروز در بسیاری از موارد وجود دارد، مجموعه‌ای از موزه‌ها، آثار، جشنواره‌ها و ظرفیت‌های پراکنده است؛ اما برای رسیدن به گردشگری هنری حرفه‌ای، این قطعات باید به یکدیگر متصل شوند.

اطلاع‌رسانی

بهره‌برداری از پل‌های آسیب دیده هرمزگان آغازشد

بازگشت شریان حیاتی هرمزگان پس از ۵۵ روز

گزارش

محمد خداکریمی

در پی حملات دشمن به زیرساخت‌های استان هرمزگان در روزهای ۲۶ و ۲۷ تیرماه، ۹ پل بزرگ و دو تونل در محورهای مواصلاتی این استان آسیب جدی دیدند. با این حال، با هماهنگی وزارت راه و شهرسازی، استانداری هرمزگان و سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، عملیات بازسازی این زیرساخت‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن آغاز شد. صبح جمعه هشت پل بازسازی‌شده با حضور فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، به بهره‌برداری رسید؛ در حالی که یک پل دیگر و دو تونل همچنان در حال تکمیل هستند. این مجموعه شامل پل قبل از سه‌راهی کهورستان در مسیر برگشت، پل قبل از سه‌راهی کهورستان در مسیر رفت، پل منبع آب (بوژی‌رو)، پل نیمه‌کار، پل بزرگ شهید مویدی (گچین سابق)، پل سرزه رودان، تونل شهید میرزایی در مسیر رفت و برگشت و پل شور است. آیین بهره‌برداری از هشت پل بازسازی‌شده استان هرمزگان، صبح جمعه با حضور فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی، محمد آشوری، استاندار هرمزگان، جمعی از مسؤولان، نمایندگان مجلس، نیروهای نظامی و انتظامی، پیمانکاران و خانواده‌های شهدا در محل پل شهید مویدی (گریوه) در مسیر بندرعباس به خمیر به نمایندگی از ۸ پل برگزار شد.

هرمزگان؛ سنگر مقاومت ایران

وزیر راه و شهرسازی دراین مراسم تأکید کرد: «امروز با افتخار در بندر خمیر و استان هرمزگان حضور پیدا کردم تا با صدای رسا و بدون لکنت به دنیا بگوییم که اگرچه جنگ را بر ما تحمیل کردید، اما نمی‌توانید دفاع جانانه مردم ایران را از آنها بگیرید.»

فرزانه صادق با بیان اینکه مردم ایران در خیابان و میدان، نیروهای مسلح در سپاه و ارتش و فرزندان این ملت در جامعه مهندسی، پیمانکاری و کارگری پای کشور ایستاده‌اند، افزود: «همگی برای دفاع از ایران تلاش می‌کنند.»

وی با اشاره به حملات دشمن به زیرساخت‌های هرمزگان تصریح کرد: «دشمن، هرمزگان و راه‌های مواصلاتی این استان را نشانه گرفت و دلیل آن روشن بود؛ می‌خواست هرمزگان و جنوب کشور را از سرزمین اصلی جدا کند و مانع انتقال کالا از مقصد به سراسر کشور شود. دشمن می‌خواست مانع انتقال سوخت و کالاهای اساسی از هرمزگان به اقصی نقاط کشور شود و همدلی و همبستگی میان مردم ایران را هدف قرار دهد؛ اما هرمزگان همچنان پای کار ایران ایستاده است.»

صادق خاطرنشان کرد: «این تلاش دشمن را هم در جنگ ۱۲ روزه و هم در جنگ ۴۰ روزه شاهد بودیم و هرمزگان همچنان این شرایط را با تمام وجود احساس می‌کند.»

وی تأکید کرد: «افتتاح پروژه‌های بازسازی‌شده، نشان می‌دهد که در برابر آسیب‌های واردشده، کار و خدمت‌رسانی متوقف نشده و مجموعه‌های اجرایی و مردم همچنان پای کار کشور ایستاده‌اند.» وی افزود: «امروز شاهد افتتاح پل‌هایی هستیم که در جریان جنگ هدف قرار گرفتند. در مجموع ۱۱ پل در استان مورد آسیب قرار گرفت که در مدت ۵۵ روز، هشت پل از این تعداد دوباره ساخته و بازسازی شده است. آسیب به پل‌ها و تونل‌ها برخلاف قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی و حقوق بشری بود.»

تمجید از سخنان رئیس جمهور

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به سخنان رئیس جمهور در سازمان ملل متحد گفت: «رئیس جمهور شجاع و مظلوم کشور، مظلومیت ایران و ایرانی را با اقتدار به تصویر کشید و در روز پرچم، با سرافرازی و عزت، پرچم جمهوری اسلامی ایران را به اهتزاز درآورد و به دنیا نشان داد ایران کجاست و ایرانی کیست.»

خلاف ادعاهای دشمن

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به ادعاهای مطرح‌شده در ابتدای جنگ گفت: «کجای این پل‌ها و تونل‌ها لانچرهای نظامی قرار داشت؟ آن آدرس غلطی که در ابتدای جنگ با ادعای کمک به مردم ایران داده می‌شد و گفته می‌شد تنها با نظامیان کار دارند، چه بود؟ میناب، اتفاق لامرد، سربازخانه بمپور، پل‌ها، تونل‌ها و زیرساخت‌های کشور هدف قرار گرفتند و این اقدام‌ها نشان داد آن ادعاها واقعیت نداشت.»

هرمزگان پای کار ایران

صادق در ادامه از تلاش استاندار، نمایندگان مردم درمجلس، مهندسان، پیمانکاران و کارگران برای بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده هرمزگان قدردانی کرد و گفت: «از تمام کارگرانی که شبانه‌روز در این ۵۵ روز تلاش کردند همچنین از مهندسانی که پای کار مردم ایستادند و پیمانکاران غیور، رشید و با غیرتی که در استان هرمزگان پای کار مردم بودند، تشکر می‌کنم. شما نشان دادید که فرزندان همین ایران، در سخت‌ترین شرایط نیز پای مردم و کشور می‌ایستند.»

اقدام جهادی برای خدمت به ایران

محمد آشوری استاندار هرمزگان نیز با بیان اینکه ۵۵ روز پس از وقوع این حادثه، شاهد بازگشایی پل‌های آسیب‌دیده هستیم، گفت: این اقدام در شرایطی انجام شد که استان از جهات مختلف تحت فشار قرار داشت و بازسازی زیرساخت‌ها در چنین مقیاسی، دستاورد ملی محسوب می‌شود.

وی افزود: تونل‌های آسیب‌دیده نیز بازگشایی شده‌اند و تلاش مجموعه مدیریت استان و دستگاه‌های اجرایی این است که عملیات مرمت آنها به شکلی انجام شود که حتی شرایط بهتری نسبت به پیش از حادثه داشته باشند.

آشوری همچنین با اشاره به مطالبات مطرح‌شده از سوی نمایندگان مردم هرمزگان در مجلس شورای اسلامی گفت: موضوعات مطرح‌شده در حوزه مسکن، راه‌ها، تونل‌ها و محورهای مواصلاتی در جلسه با وزیر بررسی و جمع‌بندی خواهد شد و امیدواریم دستورات وزیر راه و شهرسازی همانند گذشته، راهگشا و نویدبخش اتفاقات خوبی برای استان باشد.

بازسازی در شرایط ناترازی

استاندار هرمزگان با اشاره به شرایط اقتصادی کشور گفت: همه ما می‌دانیم که کشور با ناترازی‌های اقتصادی، مالی و بودجه‌ای مواجه است و انجام پروژه‌های بزرگی مانند بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در چنین شرایطی، اقدامی قابل توجه و کم‌نظیر است.

احیای زیرساخت‌ها در سایه جنگ

عباس شرفی، مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای هرمزگان، در این آیین با اشاره به حملات روزهای ۲۶ و ۲۷ تیرماه به زیرساخت‌های استان اظهار کرد: در جریان این حملات، ۹ دستگاه پل بزرگ و دو دستگاه تونل مورد

> تونل‌های آسیب‌دیده نیز بازگشایی شده‌اند و تلاش مجموعه مدیریت استان و دستگاه‌های اجرایی این است که عملیات مرمت آنها به شکلی انجام شود که حتی شرایط بهتری نسبت به پیش از حادثه داشته باشند. همه ما می‌دانیم که کشور با ناترازی‌های اقتصادی، مالی و بودجه‌ای مواجه است و انجام پروژه‌های بزرگی مانند بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده در چنین شرایطی، اقدامی قابل توجه و کم‌نظیر است

حمله قرار گرفت و خسارت‌های اساسی به این زیرساخت‌ها وارد شد. وی افزود: بلافاصله پس از وقوع حادثه، با حضور میدانی استاندار هرمزگان در میان راهداران، پیمانکاران و دستگاه‌های اجرایی و با دستور ویژه استاندار برای بازگشایی مسیرهای کنارگذر، اقدام‌های لازم آغاز شد و راه‌های جایگزین در کوتاه‌ترین زمان ممکن بازگشایی شدند. مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای هرمزگان ادامه داد: بعدازظهر ۲۷ تیرماه نیز وزیر راه و شهرسازی به‌همراه معاونان خود از پروژه‌های آسیب‌دیده بازدید کردند و جلسات هماهنگی برای آغاز عملیات بازسازی برگزار شد. با هماهنگی انجام‌شده، سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای مجوزهای لازم برای برگزاری مناقصه و انتخاب پیمانکاران را صادر کرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن پیمانکاران انتخاب و عملیات بازسازی پل‌ها آغاز شد.

رکورد در بازسازی پل و تونل

شرفی گفت: در مدت حدود ۵۵ روز موفق شدیم هشت دستگاه پل را آماده بهره‌برداری کنیم. یک دستگاه پل دیگر نیز با پیشرفت فیزیکی ۷۰ تا ۸۰ درصد در حال اجراست و عملیات بازسازی دو دستگاه تونل نیز به ترتیب با پیشرفت فیزیکی ۳۰ و ۶۰ درصد در حال انجام است. وی با اشاره به هزینه‌های انجام‌شده برای این پروژه‌ها تصریح کرد: برای بهره‌برداری از این پل‌ها ۹۰۰ میلیارد تومان هزینه شده است. مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای هرمزگان، پل‌های بازسازی‌شده را شامل پل شهید مویدی (گریوه) در جاده بندرعباس به بندر خمیر، نیمه‌کار، سه‌راهی منبع آب در جاده برگشت بندر خمیر به بندرعباس، پل جاده بندرعباس به رودان و پل رودخانه شور در جاده رفت بندرعباس به حاجی‌آباد عنوان کرد که همگی به‌صورت ۱۰۰ درصدی آماده بهره‌برداری شده‌اند.

شرفی این اقدام‌ها را حاصل یک کار جمعی و هماهنگ دانست و گفت: وزارت راه و شهرسازی، استانداری هرمزگان، معاونت هماهنگی امور عمرانی استانداری، سازمان راهداری، نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی، نیروهای نظامی و انتظامی، پلیس راه، مدیران، مهندسان مشاور، پیمانکاران، کارگران و راهداران همگی در این تلاش شبانه‌روزی سهیم بودند. وی در پایان از ادامه عملیات بازسازی سایر زیرساخت‌های آسیب‌دیده خبر داد و افزود: تلاش می‌کنیم همه پروژه‌ها در سریع‌ترین زمان ممکن تکمیل و وارد مدار بهره‌برداری شوند.